

بسم الله الرحمن الرحيم

تغییر؛ از ادعا تا واقعیت

(ترجمه)

به تاریخ 2021/10/25 در سودان جنرال عبدالفتاح البرهان، رئیس مجلس رهبری، کودتایی را علیه بخش غیرنظامی رهبری نمود که عبدالله حمدوک نخست وزیر و تعدادی از وزیران غیرنظامی دستگیر شدند و جنرال عبدالفتاح مجلس رهبری را برگزار نمود و اعلام کرد که قانون اساسی را لغو نکرده است؛ بلکه چندماده را لغو کرده است؛ قسمی که در سخنانش گفته بود، می خواهد جریان انقلاب را اصلاح کند، نه این که انقلاب را لغو کند.

با توجه به این اتفاقات و ناکامی دولت انتقالی در دستیابی به آرزوهای مردم سودان در استقرار امنیت و ثبات، تضمین حقوق بانزستگی، تحصیل و بهداشت، هیچ کدام اتفاق نیفتاد؛ بلکه اوضاع بدتر از دوره حکومت عمرالبشیر شد. همه این ها یک احساس عمومی را شکل داد که باید تغییری ایجاد شود.

آیا تغییر و برکناری دولت غیرنظامی این آرزوهای مردم سودان را محقق می کند یا حقیقتی غیر از این است؟

هنگامی که تغییر دولت ها را در سودان مطالعه کنیم، دیده می شود که دست های خارجی در صحنه سیاسی دخیل است. از آنجایی که نیروی نظامی پشتیبان و طرفدارشان امریکا و نیروی غیرنظامی را اروپا و به ویژه انگلیس حمایت و پشتیبانی می کند، بنابراین، کشمکش های سیاسی باعث شده که به امور مردم و بهبود زندگی رسیدگی نکنند.

تغییر مطلوب تغییری نیست که مردم بارها و بارها فریب آن را بخورند؛ بلکه تغییری است که از این کار جلوگیری می کند؛ در حالی که احساس نمی کنند و توسط آن ذلیل نمی شوند؛ تحولی که اثر آن خودکفایی در گندم و تهیه نان آسان و سهولت در زندگی و سایر کالاهای استراتژیک است؛ تغییری که باعث می شود مردم حضور واقعی خود را احساس و به هویت خود دست یابند؛ تغییری که باعث می شود ما بتوانیم سلاح هسته ای داشته باشیم؛ همان طور که دشمنان ما دارند؛ تغییری که باعث می شود سلاح های ما ساخته دست خودمان باشد و نه سلاحی که از طریق به اصطلاح کمک های امریکا به ما تحویل داده شود؛ تغییری که ثروت را ملک مردم می داند و به نفع شان است. به طور خلاصه، تغییری که سلطه و شکوه غرب را از سرزمین های مان بیرون می کند، و هر تغییری که باعث سرنگونی سلطه بیگانگان از سرزمین های مان نشود، تغییر و تحولی ساختگی و سخنان فریبنده است.

بنابراین، تغییراتی که در سودان در دوره های مختلف رخ داده، تغییری است در داخل صندوق و تحت نظارت غربی. لذا، همه چیز برای مردم این سرزمین در همه ابعاد زندگی باز نشد. آنچه از تغییر این جا و آن جا اتفاق می افتد، یک تغییر واهی و غیرواقعی است. همه تا آخرین ساعات منتظر سفیر امریکا با عبدالفتاح البرهان، همدی و حمدوک بودند که از کودتا و تغییر صحبت کنند که بلاخره سفیر انگلیس در مقابل سفارت در خارطوم حضور یافت و به زبان عربی این کودتا را محکوم کرد، و از مردم سودان دعوت نمود که به حمایت دولت غیرنظامی راهپیمایی میلیونی کنند.

همه این‌ها نشان می‌دهد؛ تغییراتی که تحت حمایت غرب و برای دستیابی به منافع طرف‌های متخاصم در سرزمین ما رخ داده، جزء از دخالت‌های قدرت‌های بین‌المللی است. آن‌ها نمی‌خواهند ما اسباب قدرت را در قالب ایمان و ثروت داشته باشیم.

گلاستون، نخست وزیر اسبق بریتانیا می‌گوید: «تا زمانی که قرآن وجود داشته باشد، اروپا نمی‌تواند بر شرق مسلط شود و نه هم خودش در امان خواهد بود.»

کرزون، وزیر خارجه بریتانیا در مجلس عوام بریتانیا می‌گوید: «ما حاکمیت ترکیه را نابود کردیم که بعد از امروز هرگز دیگر به آن لیست قرار نخواهد داشت؛ زیرا ما قدرت آن‌را که دو چیز بود حذف کرده‌ایم: اسلام و خلافت.»

ریچارد دانات، مشاور دفاعی دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا، در تاریخ 2010/5/17م به‌روزنامه نیشن گفت: «صادقانه بگویم، اگر مسلمانان اندیشه‌های سیاسی اسلام و نظام خلافت را بپذیرند، غیرقابل قبول است و با پاسخ نظامی بریتانیا مواجه خواهند شد.» هم‌چنان افزود: «ما با مسلمانان در نماز و برپایی شعائر دینی تا زمانی که تسلیم و تابع زندگی و ارزش‌های غربی باشند، مشکلی نداریم.»

توماس بارنت، استراتژیست امریکایی و کارمند سابق وزارت دفاع امریکا، برنامه استراتژیک امریکا در قبال سرزمین‌های اسلامی را با عنوان «نقشه جدید پنتاگون در قرن بیست و یکم، جنگ و صلح» خلاصه کرد. یعنی منفعت امریکا این است که دنیا به دو قسمت غیرمساوی تقسیم شود، از یک‌طرف هسته باثبات و مستقر که شامل امریکا و تعدادی از کشورهای همکار که شامل کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است و از طرف دیگر بقیه جهان وجود دارد که چیزی شبیه به یک منطقه سایه اختصاص داده شده است. یعنی مناطقی که از نظر اقتصادی توسعه نیافته و از نظر سیاسی ناپایدار هستند. نقش نیروی نظامی امریکا در این طرح در تضمین دسترسی به منابع طبیعی از نیمه دوم به‌نیمه اول جهان خلاصه می‌شود؛ زیرا کشورهای نیمه اول به این منابع بیشتر نیاز دارند، در حالی که کشورهای نیمه دوم به این منابع اجازه بهره‌مندی از آن‌ها را ندارد.

بنابراین، مردم سودان آگاه باشند؛ تغییری که آرزوهای آن‌ها و همه امت اسلامی را محقق کند، ایجاد نظام واحد خلافت اسلامی است که مردم حاکم خود را با میل و اختیار انتخاب می‌کنند، نه این‌که با کودتای نظامی به‌دستور امریکا و کشورهای استعمارگر و یا با معرفی سفارت‌خانه‌های اروپایی خود را تحمیل کند؛ بلکه نظامی می‌باشد که در آن حاکمیت در اختیار شرع است، نه شعب و مجالس دموکراتیک.

هم‌چنان مردم سودان نیاز دارند که نظام استعماری را تغییر دهند؛ نظامی که مدت‌هاست وزنش بر شانه‌های مردم است؛ یک‌بار با نسخه انگلیسی و یک‌بار هم با نسخه امریکایی و ما از نظام خلافت راشده که نظام الله سبحانه و تعالی و بر اساس وحی است غافل هستیم! لذا مردم سودان شایستگی آن‌را دارند و می‌توانند با نگاه کردن به آن‌چه برادران و پسران‌شان در حزب التحریر دارند، این‌کار را انجام دهند. حزب یک قانون اساسی 191 ماده‌ای آماده اجرا دارد که گرفته شده از عقیده اسلامی است و اهل قدرت و متنفذین سرزمین‌های اسلامی ایجاد این نظام در میدان واقعی امت را کمک کنند تا این‌که خود را از سلطه امریکای غربی و اروپا آزاد کنیم و این به‌الله سبحانه و تعالی آسان است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ﴾ [الصف: 13]

ترجمه: پیروزی و کامیابی از سوی الله (سبحانه و تعالی) و فتح نزدیک است.

نویسنده: استاد عبدالله حسین

مترجم: پارسا «امیدی»